

دومین گردهمایی فرماندهان و مسئولان جنگ

آیا تغییر توازن نظامی و برتری ایران امتیازات لازم را برای ایران و خاتمه دادن به جنگ فراهم خواهد کرد؟

افزایش فشارهای همه جانبه پس از عملیات فاو و همچنین افشای ماجرای مک فارلین نشان داد که حامیان عراق علی الخصوص امریکا هنوز برتری ایران را به رسمیت نمی شناسند و برای تغییر آن تلاش خواهند کرد. اقدام برای کسب یک پیروزی دیگر منجر به طراحی و انجام عملیات های کربلای ۴ و ۵ شد. کربلای ۴ به دلیل ضعف طراحی ما کمک اطلاعاتی امریکا به عراق موفق نبود اما با پیروزی بزرگ در کربلای ۵، دنیا برتری ایران را به رسمیت شناخت. پس از آن جریان حمله به نفتکش ها شروع شد و زمینه برای صدور قطعنامه ۵۹۸ آماده گردید.

سخنان ریاست محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام:

این نشست شباهت زیادی به جلسات قرارگاه ها در زمان جنگ دارد. با این تفاوت که شهادت سرداران در حادثه سقوط هواپیما کام ما را تلخ کرده است. آنها در راه انجام وظیفه کشته شدند و باید شهید به شمار آیند. در زمان جنگ ما به این حوادث عادت کرده بودیم اما الان تحمل این مصائب خیلی دشوار است.

آقای شمخانی به عملیات کربلای ۵ اشاره کردند؛ یعنی مقطعی پر التهاب و موفق. در سال ۱۳۶۴ روزی جلسه ای داشتیم در منزل آیت الله موسوی اردبیلی، در آن جلسه که سران نظامی و سیاسی حضور داشتند بحث بر سر چگونگی ادامه جنگ بود. شهید صیاد شیرازی طرحی داده بود برای بازسازی جبهه پس از عملیات بدر که این طرح رد شد. گروهی معتقد بودند یک عملیات موفق بکنیم و جنگ را تمام

در سالروز عملیات غرور آفرین کربلای ۵ و به منظور گرامی داشت یاد و خاطره حماسه آفرینی ها و دلاوری های آن عزیزان، به همت مؤسسه مطالعات سیاسی فرهنگی اندیشه ناب دومین گردهمایی فرماندهان جنگ همزمان با سوگ از دست دادن سردار سرافراز اسلام سرلشکر حاج احمد کاظمی و دیگر یاران همزمش، در تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۹ در مسجد حضرت ولی عصر (عج) با حضور آیت الله هاشمی رفسنجانی ریاست محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام برگزار شد.

سخنان امیر دریابان شمخانی

ایشان ابتدا راجع به شهادت فرماندهان سپاه در حادثه سقوط هواپیما در صبح آن روز صحبت کرد و این مصیبت را تسلیت گفت. وی به برخی از خاطرات مشترک با احمد کاظمی اشاره کرد که موجب تأثر حاضران در جلسه که اغلب از فرماندهان سپاه، ارتش و جهاد بودند شد. آقای شمخانی سپس حضور آقای هاشمی رفسنجانی را در این مراسم خیرمقدم گفت و با اشاره به اینکه این محفل به بهانه عملیات کربلای ۵ تشکیل شده است طی تحلیلی گفت:

در عملیات والفجر ۸ این پرسش مطرح بود که آیا با پیروزی عملیات فاو جنگ پایان خواهد یافت یا نه؟

امام اهل ابهام نبود و چند پهلو حرف نمی زد. اعتقادش این بود که صدام باید سقوط کند. اما دولت بر اساس هر عملیات به ما بودجه می داد و بودجه برای سقوط صدام داده نمی شد.

بکنیم. گروهی دیگر می گفتند جنگ را با همین شرایط ادامه می دهیم تا به اهداف خود برسیم و گروهی نیز میانه این دو رأی را داشتند. من در آن جلسه درباره دیدار خود با امام توضیح دادم که وقتی به عنوان فرمانده جنگ در سال ۱۳۶۴ انتخاب شدم در ملاقات با امام گفتم: معتقدم یک عملیات موفق انجام دهیم و سپس جنگ را از لحاظ سیاسی و نظامی به نفع خود پایان دهیم. اما ایشان جواب صریحی نداد بلکه لبخندی زد که من نفهمیدم به معنی موافقت است یا مخالفت. در میان فرماندهان برخی با نظر من موافق بودند برخی مخالف. پس از عملیات بدر روشن شد که امریکا از نظر اطلاعاتی به عراق کمک می کند. ارتش فقط با عملیات کلاسیک و منظم موافق بود اما سپاهی ها روحیه دیگری داشتند. تمرکز فرماندهان سپاهی روی عنصر غافل گیری

بود. لذا عملیات والفجر ۸ طراحی

شد. قطعاً بعد از عملیات والفجر ۸ دنیا

فهمید که توازن به هم خورده و ما

شرایط بهتری داریم.

برای انجام عملیات کربلای ۵ خیلی

مشکلات داشتیم. فرماندهان تجربه

تلخ کربلای ۴ را داشتند و موافق انجام این عملیات نبودند. در شب جلسه هم اغلب مخالف بودند و نمی توانستیم به تصمیم برسیم اما نهایتاً با توسل به خدا یک اجماع شکننده به وجود آمد که عملیات انجام شد. نقطه قوت مادر آن عملیات این بود که عراقی ها فکر می کردند کار ما تمام است و دیگر نمی توانیم بجنگیم. در هر حال کربلای ۵ بسیار باشکوه بود و از جمله نقش شهید احمد کاظمی بسیار مهم بود. بعدها فهمیدیم که در آن عملیات کارشناسان روسی در جبهه به عراقی ها کمک می کردند. در هر حال پس از آن عملیات دنیا تصمیم گرفت جلوی پیشروی ما را بگیرد. لذا جلوی صدور نفت را گرفتند و همه جور سلاح به عراقی ها دادند. چند ماه بعد از آن نیز قطعنامه ۵۹۸ صادر شد که البته ما یک سال آنها را معطل کردیم تا نظرات خود را در آن بگنجانیم که تا

حدودی موفق هم بودیم. بالاخره آن فکر که می خواستیم یک حمله موفق داشته باشیم تا جنگ تمام شود انجام نشد ولی ثابت شد که ایران به تنهایی می تواند جلوی اشراک دنیا بایستد. عملیات مرصاد هم قوت نظامی ماست. در میدان سیاست جهانی هم پس از جنگ موفق شدیم. هیچ کس باور نمی کرد ما بتوانیم مجرم بودن عراق را ثابت کنیم و مستحق دریافت غرامت شدیم. پشتوانه این پیروزی ها رشادت های فرماندهان بود. من خواهش می کنم این محافل ها ادامه یابد و گروهی تشکیل شوند که به تحقیقات دفاع مقدس همت کنند و حتی ضعف های ما نیز گفته شود.

در ارتباط با جنگ در بعد هنری هنوز کار اساسی نشده است. در اروپا درباره جنگ جهانی دوم دارد فیلم ساخته می شود و هر کسی افتخارات خود را به رخ دیگران می کشد. کار

تحقیقی کم انجام شده و نیاز به کار

بیشتر هست. شما یادگاران خوب

سخت ترین دوره تثبیت انقلاب و

نظام بودید و فتنه را دفع کردید و کسی

هم نمی تواند منکر شود. الان هم

شرایط را می بینید. دشمن دندان تیز

کرده و شاید با توجه به اوضاع داخلی هم تشویق می شوند که شرارت کنند. آنها جدی هستند که نگذارند که جمهوری اسلامی پیشرفت کند.

البته هر وقت می خواستند خرابکاری کنند نتوانستند، اما الان هوشیاری کامل ما مورد نیاز است تا آنها جسارت نکنند.

سخنان آقای دکتر محسن رضایی:

ایران یکی از قهرمانان خود را از دست داده است. قهرمانی از جنس شهید باکری و خرازی. تلاش شهید کاظمی در جهت انجام وظیفه سرکوب گروهک پژاک در کردستان همانند تلاش وی در کربلای ۵ بود. شهید کاظمی چند روز پیش به من می گفت که قبلاً کدهای خودمان علیه ما اقدام می کردند، اکنون امریکا و اسرائیل در کردستان فتنه می کنند. خدا شهید کاظمی را با شهید خرازی و شهید باکری محشور کند. این

منطق بود اما آرمان‌هایش را رها نمی‌کرد. ما فاو را هم گرفتیم اما جنگ تمام نشد. جنگ را کربلای ۵ تمام کرد. درباره فاو دنیا تردید داشت و خیال می‌کرد تصادفی بود اما کربلای ۵ اثبات کرد که برتری با ماست لذا از آن به بعد پیشنهاد صلح به ایران شد. کربلای ۵ به دنیا ثابت کرد که ایران وارد فاز جدیدی شده. این مسئله باعث صدور قطعنامه ۵۹۸ شد. دنیا فهمید باید خودش جنگ را تمام کند نه ایران، چون عواقب ادامه جنگ از کنترل آنها خارج می‌شد. پس از سخنان آقای دکتر رضایی، مهندس عظیمی نماینده جهاد سازندگی و سپس امیر سرلشکر حسینی سعدی معاون هماهنگ‌کننده ستاد کل نیروهای مسلح سخنانی ایراد کردند که بیشتر تسلیت به مناسبت شهادت سرداران و نقل خاطره بود.

والسلام

چند سال اخیر هر بار من شهید کاظمی را می‌دیدم حرف شهادت را می‌زد. در هیچ کسی این همه اشتیاق شهادت ندیده‌ام. او آن قدر باب شهادت را کوفت تا این در باز شد. احمد کاظمی یکی از عوامل اصلی پیروزی کربلای ۵ بود. یادم می‌آید در جلسه تصمیم‌گیری برای عملیات کربلای ۵ بودیم که آقای هاشمی گفت چون تصمیم‌گیری سخت است رأی‌گیری می‌کنیم. من گفتم بهتر است آقایان بروند بیرون تا ما یعنی من و آقای هاشمی تصمیم بگیریم. سپس در اهواز من به ارزیابی شرایط پرداختم. مهم‌ترین عامل پیروزی در کربلای ۵ اتصال کانال ماهی به نهر اروند بود. سخت‌ترین بخش کار را به لشکر ۸ نجف داده بودیم. شاید بیشترین درگیری‌ها از منطقه احمد کاظمی بود. بارها جبهه دست به دست شد اما نقاطی که کاظمی بود حفظ شد. بیشتر شبانه روز عملیات گلوله باران بود. جای احمد امروز خالی است. امام بدون تردید نظرش ادامه جنگ بود و طرح یک عملیات را قبول نداشت. امام اهل ابهام نبود و چند پهلوی حرف نمی‌زد. اعتقادش این بود که صدام باید سقوط کند. اما دولت بر اساس هر عملیات به ما بودجه می‌داد و بودجه برای سقوط صدام داده نمی‌شد. آرزوی امام این بود که صدام سقوط کند اما با تصمیم‌های مسئولان مخالفت نمی‌کرد. امام همیشه تابع

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی: من در آن جلسه درباره دیدار خود با امام توضیح دادم که وقتی به عنوان فرمانده جنگ در سال ۱۳۶۲ انتخاب شدم در ملاقات با امام گفتم: معتقدم یک عملیات موفق انجام دهیم و سپس جنگ را از لحاظ سیاسی و نظامی به نفع خود پایان دهیم. اما ایشان جواب صریحی نداد بلکه لبخندی زد که من نفهمیدم به معنی موافقت است یا مخالفت.